

میر عبدالفتاح موسوی (اشراق)

مأخوذ از مقدمه دیوان مدایح و مراثی نگارش رحیم نیکبخت

میر عبدالفتاح موسوی از علمای معروف مراغه در قرن دوازدهم است که به سبب تبخر در فقه و حدیث منصب شیخ الاسلامی را هم دارا بود. وی از ارادتمندان میر محمد تقی شاهی مشهدی (متوفی ۱۱۵۰ هـ.ق) عارف نامی اواخر عصر صفویه بود و به دست او در مشهد مقدس به طریقه فقر مشرف و به مقامات عالی رسید و سپس به مراغه بازگشته و در آنجا ساکن گردید.<sup>۱</sup>

قدیمی ترین مأخذی که شرح حال فتاح مراغی در آن آمده است، «ریاض الجنه» تألیف میرزا محمد حسن زنوزی است. وی که معاصر فتاح بود، در روضه چهارم از ریاض الجنه نوشته است:

«السید العارف الامیر فتاح المرآغی - جناب ایشان عالم و فاضل کامل بودند و در طریقه‌ی عرفان بلدیت تمام داشتند. شخصی بودند درویش مسلک و عارف مدرک. سیادت نسب و نقابت و نجابت حسب. در اوایل حال چنانکه در مثنوی ریاض الفتوح خود مفصلاً مذکور ساخته به قصد تفحص مرشد مسافرت و در مشهد مقدس طوس به عارف کامل متقی میر محمد تقی مشهدی مشتهر به شاهی رسیده و در عالم رؤیا جناب پیغمبر ایشان را به ارادت میر ترغیب و به حضور ایشان شتافته و مدتی اختیار ملازمت و مریدی ایشان را کرده و از ایشان ارشاد یافته و بعد از تکمیل ظاهر و باطن به مراغه مراجعت فرموده و در اواخر عمر به امر شیخ الاسلامی مراغه اشتغال داشتند و اشعار عارفانه‌ی رنگین و مثنویات عاشقانه‌ی دلنشین به زبان فارسی و ترکی بسیار دارند و در مراثی جناب سیدالشهدا واقعات بسیار به زبان ترکی در غایت فصاحت که به زعم فقیر بالاتر از آن با زبان امکان ندارد منظوم ساخته اند. الحق بلاغت را به نهایت رسانیده و در فارسی اشراق و در ترکی فتاح تخلص می کنند. با میر مزبور کمال ارتباط داشته.

در مثنوی ریاض الفتوح که در کمال خوبی و مرغوبی ساخته اند و مطلع او این است:

<sup>۱</sup> یونس مروارید، مراغه، افزوده رود، چاپ دوم، مؤلف، ۱۳۷۲، ص ۴۸۵.

بیای دل شوخ کودک مزاج رها کن دمی از خود این اعوجاج

...

بعد از ذکر کیفیت خلقت آدم مقدمه‌ی خواب مزبور خود را مفصلاً به رشته‌ی نظم کشیده‌اند و آن جناب در سنه‌ی هزار و صد و هفتاد و پنج در مراغه وفات یافتند و هم در آنجا مدفون است، و مین اشعاره

«چه غم گر جهان را ضیایی نماند نشان از چراغی به جایی نماند

که در گاه میخانه بالا گشاد سر ساقیش از بلا دور باد»

## (ریاض الجنة)<sup>۲</sup>

محمد کاظم بن محمد تبریزی معروف به اسرارعلی شاه (۱۲۶۵-۱۳۱۵ ه.ق) از عرفا و ادبای پرکار قرن سیزدهم در کتاب:

«منظر الاولیا» که در شرح مزارات تبریز و حومه است در سیر چهارم با عنوان «در احوالات اولیایی که در مراغه

مدفون شده‌اند» بعد از معرفی مختصر مراغه<sup>۳</sup> شرحی نسبتاً مبسوط از میرفتاح ارایه کرده که قابل توجه است که خلاصه

آن چنین است:

«اسم شریفش میرفتاح، اعراف عرفای زمان و اکمل مشایخ عصر بوده و در علوم ظاهری و باطنی کسی به

آن جناب برابری نمی‌نمود و در فقر و فنا و صدق و صفا درجه‌ای عالی و مرتبه‌ای بلند داشت و از مراتب

مجاهده و ریاضت و زهد و تقوی و عبادت هیچ گونه فرو نمی‌گذاشت و در ترویج شریعت و طریقت مطهره

سعی بلیغ فرمودی و در تربیت مریدان و تکمیل ناقصان وحید زمانه بود.»

اسرارعلی شاه تبریزی که معتقد است، «آن جناب پا به دایره وجود و ظهور ننهاد» در ادامه شرح احوال عرفانی او روایت

کرده است که در دوران کودکی، پدر او را به تحصیل علوم گمارد و در اندک مدتی صرف و نحو، منطق و کلام را

فراگرفت لیکن در دوازده سالگی پدر را از دست داد و تحت حمایت دایی‌های خود که به امر تجارت اشتغال داشتند قرار

گرفت و به امر تجارت مشغول گردید تا آنکه «روزی جذبه جلالیه آن جناب را گرفته در حجره را مقفل نمود. کلیدش را به

۲. دانشمندان آذربایجان، تبریز، بنیاد کتابخانه فردوسی تبریز، ۱۳۳۵، صص ۴۲-۴۱؛ و نیز: مروارید، پیشین، ص ۴۸۶.

۳. از آن جمله که «شهری مرغوب و به خوبی آب و هوا موصوف است و گویند نزدیک به شش هزار خانه دارد و از تبریز سه مرحله فاصله دارد.»

(منظر الاولیا، در مزارات تبریز و حومه، تألیف محمدکاظم بن محمد بن تبریزی (اسرارعلی‌شاه)، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز

اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷).

همسایه سپرده از همان جا راه خراسان پیش گرفته چنان شوق وصالش قطع منزل می کرد که در مدت ده دوازده روز از مراغه به آستان ملائک پاسبان حضرت رضا علیه السلام مشرف گردید.<sup>۴</sup>

رهاورد این سفر معنوی آشنایی با سیدمحمدتقی معروف به میرشاهی بود که مکاشفه‌ای نیز ارادت او را به سیدمحمدتقی بیشتر کرد<sup>۴</sup> و از این رو چند سال در خدمت او به سرّ و سلوک و مجاهده و ریاضت پرداخت و به اجازت وی مدتی در هندوستان سیاحت نمود «گویند که پانصد نفر مرید در پشت سرش راه می‌رفت» چون از مملکت هندوستان پا به صفحه ممالک ایران نهاد. به وطن مألوف خود به شهر مراغه رسید و در آنجا به نشر طریقت علوی و ترویج شریعت نبوی مشغول گردید.<sup>۵</sup>

استاداتی که وی در اشعارش از آیات و روایات می آورد گواه روشنی از اطلاعاتی است که اسرار علی شاه در تلاش وی در نشر و ترویج شریعت داده است.

از دیگر اطلاعاتی که در مورد فتاح موجود است، نقش مُهر او در وقفنامه میرزا خلیل و میرزا رحیم فرزندان میرزا جعفر وزیر مراغه به سال ۱۱۷۲ هجری قمری است که به مهر و امضای جمع کثیری از علمای تبریز و مراغه رسید. مُهر اشراق به شکل مربع بود و در آن سجع عبدالفتاح دیده می‌شود.<sup>۶</sup>

حاجی میرزا کبیر آقا ملقب به مجذوبعلی شاه و متخلص به مجرم که از بزرگان مشایخ صوفیه بود از احفاد میرفتاح است که در مراغه زیست و در همان جا و از دنیا رفت.<sup>۷</sup>

میرمراغی یا میرعبدالفتاح موسوی در میان شعرا و ادبای آذربایجان و آران قرن سیزدهم هجری شاعری شناخته شده است چنانکه شعاعی دربندی (اواخر قرن سیزدهم هجری) از معاصران قمری دربندی در یکی از قصاید خود که در مدح شعرای مرثیه سرا است از وی یاد کرده و گفته:

---

<sup>۴</sup> وی در مثنوی ریاض الفتوح به این قضیه پرداخته است. (رک. به: ریاض الفتوح و ساقی نامه، به کوشش مرحوم میرودود یونسی، تبریز، کتابخانه ملی تبریز، ۱۳۳۸؛ و نیز: دیوان اشعار موسوی مراغهای.)

<sup>۵</sup> اسرارعلی شاه تبریزی، همان، ص ۲۵۰.

<sup>۶</sup> مروارید، پیشین، ص ۴۸۵.

<sup>۷</sup> برای اطلاع از احوال وی رک. به: مروارید، پیشین

۱. دیوان کامل شعاعی دربندی، در فضیلت و مصیبت ائمه هدی و شبیه خوانی وقایع کربلا، به کوشش یوسف پیری، تهران، ۱۳۸۶، چاپ حرفی بر اساس چاپ سنگی کلیات دیوان شعاعی است که در تبریز ۱۲۸۵ ه. ق منتشر شده است.

«اویاندا ترکی شاعر لر دوتوب آذربایجان ملکین

اؤدوب تسخیر ایرانی کچوب ملک داغستانی

**بیر میر مراغیله** بیر شیرین زبان **باقر**

قوروبلار گلشن آل عباده روضه رضوانی

توکوب تقریردن گلر اولوبدور لال بلبل لر

سالوبلار طوطینی دیلدن قویوبلار مات شیدانی

لبالب شهر تبریزی اؤدوب لبریز نظم ایله

سراسر خطه ی تبریز اولوب ماتم گلستانی

**دخیلی** ناگهان گوردوم آچوب بیر اوزگه هنگامه

بساط کربلا اوسته قوروب تخت سلیمانی»<sup>۱</sup>

## آثار میر عبدالفتاح

هادی هاشمیان در معرفی آثار وی می نویسد:

«از آثار میر عبدالفتاح اشراق دو مثنوی به نام ساقی نامه و ریاض الفتوح است که به همت مرحوم میرودود

سیدیونسی (رئیس کتابخانه ملی تبریز) در فروردین ماه سال ۱۳۳۸ از روی نسخه خطی منحصر به فردی که به

خط یوسف علوی میلانی<sup>۱</sup> از خوشنویسان معروف نیمه دوم قرن سیزدهم بوده در تبریز به زیور طبع آراسته

گشته است.

ساقی نامه مجموعاً ۲۳۳ بیت است و چنین شروع می شود:

---

<sup>۱</sup> متن کتاب به خط مرحوم یوسف علوی میلانی است اساساً چندین کتاب در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به خط او در تبریز چاپ سنگی شده که دو عنوان از آن ها عبارتند از: دیوان خلیفه محمد متخلص به عاجز ، منشآت میرزا مهدیخان منشی نادرشاه افشار که اولی در سال هزار و دوست و هفتاد و سه هجری قمری در مطبعه آخوند ملاعباسعلی در تبریز به طبع رسیده است. (هادی هاشمیان)

سروش‌ی خواست دوش از محفل جان

که اندر شهر بند ذات انسان

بود دل لوح اسرار خدائی

زبان مفتاح گنج کبریائی

خداوند دل‌ی ده بـرق رفتار

چو نخل وادی ایمن شرربار

دل سرگشته‌ای با صد جهان شور

شـهید التفات زخم ناسور

مثنوی ریاض‌الفتوح نیز جمعاً ۴۰۱ بیت است و چنین شروع می‌شود:

بیا ای دل شوخ کـودک مزاج

رها کن دمی از خود این اعوجاج

خوشبختانه این دو مثنوی مندرج در دیوان اشعار موسوی مراغی یا میرعبدالفتاح موسوی مراغی دوبار چاپ و منتشر شده

است که چاپ دوم آن را محقق نسخه‌شناس مراغه‌ای یوسف‌بیک باباپور<sup>۹</sup> تصحیح کرده است.<sup>۱۰</sup>

## وفات، مقبره و بازماندگان

میرعبدالفتاح سرانجام در سال ۱۱۷۵هـ.ق در ایام حکومت کریم‌خان زند درگذشت و در حوالی گورستان قدیمی مراغه که سر راه شهرستان هشترود قرار داشت در جایی که او خود نشان داده بود به خاک سپرده شد. پس از آن مردم بر مزارش گنبدی ساختند و آنجا به قبر میر معروف گردید. ماده تاریخ وفات او که در یکی از نسخه‌های خطی آثارش درج شده است، چنین است:

<sup>۹</sup> آقای یوسف‌بیک باباپور آثار و تألیفات متعددی در حوزه فهرست نسخه‌های خطی، نسخه‌شناسی و به ویژه منابع تاریخ مراغه و آذربایجان منتشر نموده‌اند.

<sup>۱۰</sup> تهران، اوحدی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

دریغا که فتاح خوش گفتگو	سفر کرد از مانهان کرد رو
تأسف نمودند اهل خرد	که شد گلشن فضل بی برگ و بو
به گوشم صدا آمد از چار سو	دریغ ای فلک شیخ اسلام کو
ز پیر خرد می نمودم سؤال	ز تاریخ رحلت بدم جستجو
که ناگه شنیدم که هاتف که گفت	«خدایش بیامرز» تاریخ او <sup>۱۱</sup>

اسرارعلی شاه تبریزی در شرح حال فتاح، تاریخ رحلت وی را با اختلاف چند سال قید کرده و نوشته: وی به سال «هزار و یکصد و هشتاد و سه هجری مطابق سال بیست و یکم از وفات کریم خان علیه الرحمه» در گذشته است. که درست به نظر نمی‌رسد و ماده تاریخ هم که «فتح‌المفتاح ابواب الجنان» که برای او نوشته اند و به حروف ابجد یک هزار و یکصد و نود و پنج می‌باشد هم درست نیست و با تاریخ وفات وی بیست سال تفاوت دارد که در سال ۱۱۷۵ هـ.ق است.

ساخت مقبره‌ای بر سر مرقد فتاح هم به روایت اسرارعلی شاه تبریزی به اواخر سلطنت فتحعلی شاه قاجار بازمی‌گردد که حاجی محمدخان ازبک‌لو از ارادتمندان حسینعلی شاه اصفهانی در رویای صادقه‌ای دیده بود که مقبره‌ای در سر مرقد او بنا نموده است. و این خبر منتشر شد و هر کس به قدر همت خود کمکی کرد تا آنکه در اوایل سلطنت محمدشاه قاجار به اتمام رسید. حاجی میرزا آقاسی، وزیر محمدشاه، هم چلچراغی که آن زمان پانصد تومان می‌ارزید وقف آن بقعه کرد. جالب آنکه مباشر و کارفرمای ساخت مقبره هم حاجی ملاعباسعلی بُنابی از مشایخ عرفای زمان خود بوده است.<sup>۱۲</sup>

اسرار تبریزی مورد بازماندگان میرفتاح نوشته است:

«ابنای خردمند و اولاد ارجمند آن سعادت‌مند که هر یک سرحلقه اولیای معرفت و سرسلسله ولیان محبت‌اند الیوم در مسند ارشاد صاحب مراتب عالی و دارای مراتب حقه هستند و در ترویج شریعت مقدسه و تبلیغ طریقت مطهره اهتمام تمام و سعی مالا کلام دارند. اگرچه با میر مرحوم دو واسطه فاصله دارند لیکن در حقیقت الامر جواهر آن دُرج و زواهر آن برج هستند و بلکه مظهر مقدس ذات عالی صفات آن معالم درجات‌اند.»<sup>۱۳</sup>

## دیوان اشعار میر عبدالفتاح

<sup>۱۱</sup>. خدایش بیامرز = ۱۱۷۵ هـ.ق

<sup>۱۲</sup>. اسرارعلی شاه تبریزی، شرح حال وی را بعد از شرح حال فتاح آورده است. صص ۲۵۴-۲۵۲.

<sup>۱۳</sup>. همان، ص ۲۵۱.

بر اثر تلاش ارزشمند محقق محترم یوسف بیک باباپور دیوان اشعار فارسی میرعبدالفتاح موسوی شامل غزلیات، مثنوی ریاض الفتوح و ساقی‌نامه و مراثی فارسی براساس چند نسخه معتبر تصحیح و منتشر گردیده است. یوسف بیک باباپور در باره اشعار ترکی میر عبد الفتاح در مقدمه خود بر این دیوان نوشته است:

«اشعار ترکی که غالباً مرثیه و رثا هستند، قسمت عمده‌ی دیوان وی را به خود اختصاص داده است. وی در

شعر [مرثیه] ترکی نیز چیره‌دست بوده و مراثی بسیار جانسوزی سروده که عمدتاً در قالب مثنوی هستند».<sup>۱۴</sup>

لازم به ذکر است آقابزرگ تهرانی در «الذریعه» در دو جا از یکی از مثنوی‌های مرثیه فتاح با عنوان «قیامت‌نامه» یاد کرده است<sup>۱۵</sup> که در همین مجموعه آن را آورده ایم.

آقای یونس مروارید نیز در بیان شرح حال میرفتاح در کتاب مراغه، افزوده سه صفحه از یک نسخه دیگر را چاپ کرده که آغاز آن مثنوی «قیامت‌نامه» است و صفحه‌ی ماقبل پایانی نسخه مورد اشاره هم ترکیب‌بند فارسی فتاح در مدح رسول اکرم (ص) می‌باشد که در این مجموعه آمده است.<sup>۱۶</sup>

علی‌رغم اهمیت مدایح و مراثی آذری میرفتاح که از نخستین شعرای مرثیه سرای آذری است و تدوین و انتشار آن‌ها به منظور تبیین هویت شیعی-ایرانی آذربایجان ضروری می‌نمود، این مجموعه با تمرکز بر مدایح و مراثی میرفتاح تدوین و به دست انتشار سپرده می‌شود. زیرا دیگر آثار وی منتشر گردیده است.

## ویژگی‌های مراثی میرعبدالفتاح

میرعبدالفتاح موسوی، بیشتر مراثی خود را در قالب مثنوی سروده که مناسب‌ترین قالب برای بیان وقایع است. هرچه وی از قالب‌های دیگر مثل ترکیب‌بند، مُخمس، و قصیده هم استفاده کرده است.

۱- آیات قرآن و مضامین متون مذهبی چون نهج البلاغه مولا علی (ع) و سایر ادعیه در مراثی میر عبد الفتاح جایگاه ویژه‌ای دارد.

۲- اشعار موجود در دیوان میرفتاح به دو زبان ملی فارسی و محلی ترکی آذری با زبانی ساده و روان بدون پیچیدگی و

<sup>۱۴</sup>. مقدمه، صفحه ۴.

<sup>۱۵</sup>. الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۲۳ و ج ۱۹، ص ۲۶۶، ر.ک. به: «نگارش‌های ترکی در الذریعه»، احمد رنجبر حیدرباغی، آئینه پژوهش، شماره ۱۱۷-۱۱۶، ص ۵۳

<sup>۱۶</sup>. تاریخ تحریر نسخه ۱۲۸۹ هـ.ق می‌باشد. شش رباعی فارسی ابوالقاسم نباتی هم در صفحه‌ی پایانی نوشته شده است. (مروارید، پیشین، صص ۴۸۹-۴۸۸).

دشواری است. در مراثنی آذری تعداد اندکی واژه به کار رفته است که امروز کاربرد ندارند. همانند: ایرشدی، واروب، انکا، بنکا، سنکا.

۳- گنجینه لغات مراثنی میرفتاح پر از ترکیبات زیبا و بدیع است که قسمت عمده آن عبارات فارسی و قسمت اعظم عبارات آن با نحو زبان فارسی است: خون چکان، خدنگ جفا، آشیان بدن، ستم نامه، وداع بازپسین، به رنگ شمع، سرشک خون، فرشته نهاد، خرمن طاقت، زخم جراحت، نخل عُمر، ستم رسیده، دون مقدار، بسانِ مهر، تیغ خون افشان، دشت خطر خیز، دیار غربت، چشم اشک افشان، گرامی کونین، گل دسته، ابلق گردون، نهال عافیت، زلال خنجر بی داد، گریه کنان، دلیل راه، سلاله ی عصمت...

وی در ترکیب لغات در استفاده از لغات فارسی در نحو ترکی آذری هم توانا بوده و هم لغات فارسی و ترکی را در کنار هم زیبا نشانده است: جگر کبابی، سرشک آل، حق بیلمز...

۴- مراثنی میرفتاح در آمدهای دلنشین و زیبایی دارد که نمونه هایی از آن ها عبارتند از:

واقعہ شہادت امام حسین (ع):

مهندس رقم داستان غم پرور      بونوع کرب و بلا حالینی بیان ایلر...

واقعہ مسلم کچ کار در احوال ورود اهل بیت (ع) به کوفہ:

دیر لوح جفا نقش بند صفحه [ی] غم      برید ملک بلا قاصد دیار آلم...

واقعہ دیر راهبیه:

گینه رواق فلکدن غبار غم توکلور      نشاط کاسه سینه جرعه [ی] آلم توکلور

واقعہ شہادت حضرت عباس (ع):

حزین بلبل گلزار نوبهار بلا      نواسرای خیابان روضه الشهدا

واقعہ نامه فرستادن فاطمه (س) از مدینه:

برید مرحله پیمای ملک درد و آلم      پیام نامہ رسان دیار مُحضت و غم

واقعہ داخل شدن اهل بیت (ع) به مجلس یزید:

بُونه بهار دوکیم عندلیبی قان آغلار      گلی شراره توکر لاله سی جگر داغلار



۵ - شاعر در مراثی خود روایت‌های متداول را به نظم کشیده و متأثر از روضه‌الشهداء واعظ کاشفی است. چون فتاح از علمای بنام و فاضل عصر خود در مراغه بوده، تلاش کرده که مراثی را برای تعمیق باورهای شیعی به کار گیرد. در درآمد حکایت شهادت وهب می‌سراید:

قـولـاق دوت منـه ای دوسـتان آل عبا

عزانشین و هوادار سید الشهداء

همیشه لاف گزاف تشیع ایلرسن

شفاعت آل‌علی دن توقع ایلرسن

دلنده کی دین شیعیم نه فایده‌سی

تشیع دگل ای عمر من بوقاعده‌سی

اشیت بو واقعه نی کیم حدیث دور منقول

یتوور خیالوا بیل کیمدو شیعی مقبول

۵- در سروده‌های میرفتاح از آداب و رسوم ماه محرم در قرن دوازدهم داده‌های منحصر به فردی وجود دارد از آن جمله آئین شمع آوردن به حسینیه بزرگ شهر که با حرکت دسته با چراغ و ذکر سؤال و جواب همراه بوده است. این اشعار برای مطالعات محرم‌پژوهی اهمیت ویژه‌ای دارد.

۶- میرفتاح مدایح و برخی مراثی خود را در قالب مخمس سروده است ولی قالب اکثر مراثی وی چنان که در پیش اشاره شد، مثنوی است.

۷- وی برخی از واقعه‌ها از جمله واقعه دیر راهبیه، شهادت علی اکبر و شهادت علی اصغر را به دو زبان فارسی و آذری سروده که این خود حکایت از استفاده هر دو متن در مجالس سوگواری در مراغه دارد. مراثی فارسی بخش لاینفک مجالس روضه در آذربایجان و آران بود. میراث گرانبهای شعرایی همانند فنای زنوزی<sup>۱۷</sup>، عشیقای تبریزی، رائق اردبیلی، صدرالممالک اردبیلی، حالی اردبیلی، عابد تبریزی، سعدی زمان تبریزی و صدها شاعر دیگر از گذشته تا کنون مؤید این امر

---

<sup>۱۷</sup> فنا زنوزی با دیوان مراثی خود که به «هزاربند» معروف است چهره ناآشنای ادبیات مرثیه فارسی آذربایجان است، نسخه‌های متعددی از دیوان مراثی او در کتابخانه‌های ایران موجود است.

است. حتی برخی از مرثیه‌خوانان چون ملاستار روضه‌خوان متخلص به جوادی تبریزی که از روضه‌خوانان معروف قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم آذربایجان بود در مجالس سوگواری از اشعار حافظ و سعدی و دیگر شعرای بزرگ استفاده می‌کرد.<sup>۱۸</sup> و یا دیوان تیر تبریزی با عنوان «آتشکده»<sup>۱۹</sup> علاوه بر آذربایجان در اقصی نقاط ایران به همراه «گنجینه اسرار» عمان سامانی، صفابخش محفل عاشقان سالار شهیدان است.

در روند تغییر زبان گفتاری مردم آذربایجان به آذری جدید (ترکی آذربایجانی) قرن دوازدهم دوره گذر است که در قرن سیزدهم تکمیل می‌شود. با این حال بر اساس مستندات تاریخی باقی مانده مراثی و مدایح فارسی - نه به عنوان زبان بیگانه و تحمیلی که قبیله گرایان مدعی هستند - در حوالی قرن سیزدهم و چهاردهم در مجالس سوگواری آذری جایگاه ویژه‌ای داشته و اکنون هم ادامه آن است. روند تغییر گویش آذری قدیم به آذری جدید (ترکی آذری) از قرن دهم شروع گردیده بود که عوامل متعددی در آن دخیل است از آن جمله طریقت‌های عرفانی و به ویژه رسمیت یافتن تشیع در آذربایجان. نکته مهم آنکه تغییر زبان گفتاری مردم به هیچ وجه به معنی تغییر هویت ایرانی مردم این سامان نبوده و نیست.

۸- میرفتاح مراغه‌ای اطلاعات خوبی هم از تاریخ ایران و سیر آن دارد که فقراتی از آن را در مُخمس «عبرتیّه» می‌توان مشاهده کرد. استنادات وی به گذشته اساطیری و تاریخی ایران قبل از اسلام و بعد از اسلام سیری منطقی و روشن دارد.<sup>۲۰</sup> و گواهی روشن بر هویت ایرانی ادبیات آذری می‌باشد.

۹- تعلقات عرفانی میرفتاح هم گاهی در خلال اشعار مجال بروز و ظهور پیدا می‌کند از آن جمله در واقعه شهادت وهب

می‌گوید:

یتوب بهار سرور و کوچوب خزان ملال	آچیلدی در گه خم خانه [ی] مُجبت آل
بساط نوش آچوب پیر می‌فروش قضا	دوروبدو ساغر و جام و چکوبدو عیشه جلا
قدم گوتوردی بو اثناده ساقی دوران	الینه جام شهادت دوتوب گزوب هریان

<sup>۱۸</sup> مجتبی زادصادق تبریزی، مشاهیر ادب (شرح حال، تصاویر و اشعار) از عالمان دینی شمال غرب کشور، تبریز، انتشارات منشور، ۱۳۸۹، صص ۸۷-۸۶.

<sup>۱۹</sup> رک. به: دیوان تیر تبریزی، گزارش عاشقانه‌ی وقایع کربلا، مقدمه تصحیح و تعلیقات دکتر بهروز ثروتیان، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ

سوم، ۱۳۸۸.

<sup>۲۰</sup> رک. به: بخش دوم، متفرقات.

از لکی جامی چکوب باشه حرابن یزید چودوشدی مست و ملقب اولوب به خُر شهید...<sup>۲۱</sup>

در این شعر اثر پذیری میرفتاح از شاهنامه فردوسی به خوبی روشن است

۱۰- میرفتاح سیادت خود را مایه مباهات دانسته و در مخمسی که در مراسم چراغ آوردن به حسینیه بزرگ شهر سروده به

آن اشاره و می گوید:

گورمدی هر چند دور ایتدی بسا بو چرخ پیر مرتضادن گیری بیر سن تک شجاع بی نظیر

کلب در گاهوز دور **فتّاح** ای شه طویی سریر نسبتی وار خاندان نوزله مباهات کثیر

اعتباری افتخاری دور سیادت السلام

۱۱- به استناد ادبیات پایانی مثنوی واقعه "دیر راهیه" می توان نتیجه گرفت میرفتاح در ایام کهن سالی مراثی خود را

سروده است. وی با اشاره به هفتاد سالگی خود از خداوند طلب مغفرت برای خود می کند:

الهی چو خود گناهم فزون دور عصیانیم مریضِ معصیتیم مغفرت دو درمانیم

منی اوپیر نصاری تکی حساب ایله که تیمیش ایله کیچوب عمری معصیت لرله

دمی که در گهوه صدق باز گشت ایلدی اوپیر جرمنی عفوون سنون گذشت ایلدی

## نسخه های خطی مراثی میر عبدالفتاح

نسخه هایی که در تصحیح این مجموعه به کار رفته به شرح زیر است:

**الف:** نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۳۵۲ با عنوان «دیوان مراثی فتاح (ترکی) و ۱۲ بند محتشم»

که شامل ۷۵ برگ و به شکل بیاض است. این بیاض در قطع خستی بوده و برای استفاده ذاکران مرثیه خوانان نگارش یافته

است. در ادامه از صفحه ۷۲ تا ۷۵ دوازده بند ترکیب محتشم کاشانی نوشته شده است. این نسخه که افتادگی نداشته و

آسیب دیدگی چندانی ندارد. از مجموعه کتاب های خطی خریداری شده از کتابخانه مرحوم میرزا جعفر سلطان القرایی تبریزی

<sup>۲۱</sup>. واقعه شهادت وهب ابن حباب.

است که مهر وی بر صفحه پایانی نسخه نمایان است. در لابه‌لای اشعار چند پیش‌واژه که از شعرای دیگری هستند به خط دیگری نوشته شده است که در ملحقات این مجموعه نقل کرده‌ایم. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس این نسخه با عنوان «قیامت‌نامه» هم ثبت شده است.

**ب:** نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۴۰۵، با عنوان «دیوان اشراق مراغه‌ای (فتاح مراغه‌ای)». این نسخه همانند نسخه قبلی در قطع خشتی به شکل بیاض است و از ابتدا و انتها افتادگی داشته و همچون نسخه قبل فاقد تاریخ کتابت است لیکن در صفحات ابتدایی مَهری با سجع «یا علی قنبر» مهور است که در آن تاریخ ۱۲۷۶ هجری حک شده و تعلق نسخه به نیمه دوم قرن سیزدهم را حکایت می‌کند.

**ج:** در نسخه سوم که متعلق به مرحوم حاجی محمد نخجوانی بوده و اکنون در کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۲۸۳۰ نگهداری می‌شود. این نسخه دارای ۶۱ صفحه و هر صفحه در حدود ۱۴ بیت به خط معمولی و به قطع ۱۷ در ۲۲ است. این نسخه به لطف جناب آقای دکتر هادی هاشمیان در اختیار نگارندگان قرار گرفت که با عنوان نسخه «ج» استفاده نموده‌ایم. سبک و سیاق نسخه از تعلق آن به اواسط قرن سیزدهم حکایت می‌کند. این نسخه، نسخه کاملی نیست و سه چهارم اشعار میر فتح را شامل می‌شود، برخی ابیات ناقص نانوشته مانده است و نیز تلاش جهت معاصر سازی لغات و اصطلاحات دیده نمی‌شود.

**د:** نسخه چهارم که متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی با عنوان «دیوان فتح مراغی» به شماره عمومی ۴۹۰۲ به جهت اشتغال مدایح و مراثی، غزلیات و متفرقات کامل‌ترین نسخه موجود دیوان فتح مراغی است که کتابت آن در شب نهم شعبان سال ۱۳۱۲ هجری قمری توسط تیمور بن نجفقلی خان قاجار مراغی به خط نستعلیق چهارده سطری و در ۱۱۷ برگ به اتمام رسیده است. میرزا رضاخان نائینی این نسخه را در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی به کتابخانه آستان قدس وقف کرده است. این نسخه نسبت به سه نسخه قبلی گرچه متأخرتر و متعلق به اوایل قرن چهاردهم هجری است ولی به جهت دارا بودن تمامی آثار فتح، نسخه‌ای منحصر به فرد است. کاتب نسخه که خود از قاجارهای مراغه و ذوق شعر داشته<sup>۲۲</sup> در کتابت به صورت

<sup>۲۲</sup> وی با تخلص «عاجر» در صفحات پایانی نسخه، قصیده طولانی نوروزیه‌ای از خود که در مدح حضرت علی(ع) است به مطلع زیر درج کرده است:

«بیامد عید نوروزی جهان فردوس اعلا شد      سفر بنمود از ماهی حمل بر شمس مأوا شد  
ترا عجز است ای عاجر به مدح چهارده معصوم      نه تو بل جمله‌ی ذی‌نفس این دنیا و عقبا شد...»

هنرمندانه در ادبیات محدود لغات و کلماتی را برای روان‌تر شدن اشعار جایگزین نموده است.

به استناد افاده استاد رضا پاشازاده محقق و شاعر شهیر مراغه‌ای نسخه‌ای از دیوان مراثی فتاح در یکی از کتابخانه‌های

جمهوری آذربایجان فعلی (آران) وجود دارد که امکان استفاده از آن برای نگارندگان فراهم نشد.

قدیمی‌ترین نسخه دیوان مراثی فتاح مراغه‌ای نسخه «الف» است که متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کامل

ترین نسخه «د» که متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است. قسمت عمده نسخه‌های خطی مربوط به ادبیات آذری (اعم

از فارسی و ترکی آذری) کتابخانه مجلس، نسخه‌های خطی سلطان‌القرایی نسخه‌شناس معروف تبریزی است.<sup>۳۳</sup>

این دو نسخه به لحاظ خط زیبا و هم به لحاظ احتوای قسمت عمده اشعار و هم به لحاظ سالم بودن خود متن اهمیت

ویژه‌ای دارند و نسخه اساس تصحیح ما این دو نسخه بوده است. از نسخه «الف» اشعار را رونویسی کرده و بعد از

حروف‌نگاری با متن اصلی تطبیق داده‌ایم. با این حال در نسخه دوم «ب» اشعاری افزون‌تر از نسخه اول داشت که در تکمیل

نسخه اول بهره گرفته‌ایم، ولی این نسخه افتادگی‌هایی در ابتدا و انتها داشت. نسخه سوم «ج» که متعلق به کتابخانه روانشاد

حاج محمد نخجوانی است از نظر تعداد اشعار نسبت به نسخه اول و دوم کاستی‌هایی دارد ضمن اینکه مصراع‌هایی هم

نمانده باقی مانده است. با این حال از آنجایی که متأخر و به قرن سیزدهم تعلق دارد، در قرائت کلمات نامأنوس قابل استفاده

است. این نسخه هم چون دو نسخه قبل تاریخ ندارد.

نسخه چهارم «د» که متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است علی‌رغم متأخرتر بودن نسبت به سه نسخه دیگر (اوایل

قرن چهاردهم هجری) از جهت اشتغال تمامی آثار میرفتاح اعم از غزلیات، مدایح، مراثی فارسی و آذری، ساقی‌نامه و

متفرقات، نسخه‌ای مهم و پر اهمیت است گرچه پاره‌ای از موارد نویسنده نسخه به معاصر سازی لغات پرداخته با این حال به

نظر می‌رسد صاحب این نسخه تیمورپاشای قاجار که خود شاعر هم بوده به نسخه‌ای کامل که احتمالاً متعلق به خانواده

میرفتاح بوده دسترسی داشته و از روی آن نسخه برداری کرده است و شاعر بودن وی این امکان را فراهم آورده در رفع

نقایصی که به نظرش در اشعار وجود داشته تصحیحاتی انجام دهد. متفرقاتی که در این مجموعه گنجانده شده است اغلب از

همین نسخه نقل گردیده است. این نسخه با چنین ویژگی در تکمیل هرچه بیشتر این مجموعه مورد مراجعه مکرر بوده و

---

<sup>۳۳</sup> جای بسی مسرت است این نسخه‌های خطی در کتابخانه بزرگ مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و مسرت‌بخش‌تر مدیریت ریاست فرزانه آن

جناب دکتر رسول جعفریان است که با بزرگواری نیاز محققان و نسخه‌پژوهان را به راحت‌ترین وجه برآورده فرموده‌اند. خداوند بر توفیقاتشان بیفزاید. و ای

کاش جناب ایشان دوره ای ریاست مراکز پژوهشی معتبر کشور را بر عهده می‌گرفتند.

اختلاف نسخه‌ها در پاورقی‌ها ذکر شده است. دیوان چاپی اشعار موسوی مراغی که به کوشش یوسف بیگ باباپور منتشر شده هم مورد استفاده بوده و دو مرثیه فارسی (علی اصغر و علی اکبر) در نسخه‌های خطی مورد مراجعه نگارندگان نبود لذا از دیوان مورد اشاره جهت تکمیل این مجموعه نقل گردیده است.